



شماره حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در فضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از موريس در سال ۱۹۶۵
موسی عاگفی قاضیانی، محمد عاگفی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرفیه فتاحی برناجی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس پورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدبهراد میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع پیش روی آن
محمدرضا بوربور
- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستأجره در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت‌ها: مروری بر مهمترین نقش‌ها و رهاوردهای حقوق بین الملل
کیفری در نظم حقوقی بین المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، ابا الفضل سلیمان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده میبدی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضلی گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ایزدپناه
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم انگاری در نظام کیفری ایران

Rostam Ali Akbari

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran

رستم علی اکبری
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
rostamaliakbari.phd@gmail.com
http://orcid.org/0000-00002-2916-5613

Amir Faraj Bakhsh

Master of Criminal Law and Criminology, Payame Noor University, Karaj, Karaj, Iran (Corresponding Author)

امیر فرج بخش
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور کرج، کرج، ایران (نویسنده مسؤل)
amir.farajbakhsh@mailfa.com

Abstract

Criminalization is one of the important tools and mechanisms of the criminal policy of any country in the fight against crime. Criminalization is a very delicate and precise act in society, which if not done based on a reasonable policy, not only will not achieve the desired result but will also impose huge costs on society. Creating behavioral restrictions through the process of criminalization is contrary to the principles of freedom and permission and authorization; therefore only in important and necessary cases it is required, and when criminalizing a behavior will become necessary that such behavior represents a serious social threat that actually or potentially is detrimental to others and can no longer be dealt with by other social or legal means. If the quality and manner of the criminalization process and the creation of prohibitions are not subject to a reasonable policy, it can itself become an important factor in the development and increase of delinquency and the escape of criminals from punishment. The results of this study indicate that in the Iranian penal system, the most important personal, social and judicial harms of criminalization include impunity for criminals, the institutionalization of revenge and violence in society, declining ugliness of crime and increasing insecurity in society, violation of the constitution, violation of human dignity, criminalization of the penal system, forgetting the role of non-judicial institutions, increasing the costs of criminal proceedings, and so on. The type of the present study is applied in terms of its objectives, and in terms of nature, it is using descriptive-analytical method benefiting from library and documentary sources.

Keywords: Iran, Criminalization, Personal Damages, Social Damages, Judicial Damages.

چکیده

جرم انگاری یکی از ابزارها و مکانیزم های مهم سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزهکاری است. جرم انگاری یک عمل در جامعه کار بسیار ظریف و دقیقی است که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی صورت نگیرد، نه تنها نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد، بلکه هزینه های گزافی بر جامعه تحمیل خواهد نمود. ایجاد محدودیت های رفتاری از طریق فرآیند جرم انگاری، امری مغایر با اصل آزادی و اباحه اعمال می باشد، که در این خصوص باید تنها به موارد مهم و حیاتی بسنده کرد و زمانی جرم انگاری یک رفتار، ضرورت خواهد داشت که آن رفتار نمایانگر یک تهدید جدی اجتماعی بوده و یا به صورت بالفعل یا بالقوه، برای دیگران زیان آور باشد و یا ابزارهای اجتماعی یا قانونی دیگر توان با آن برخورد نمود. اگر کیفیت و چگونگی روند جرم انگاری و ایجاد ممنوعیت ها، تابع سیاستی معقول و منطقی نباشد، خود می تواند عاملی مهم در توسعه و افزایش بزهکاری و فرار مجرمین از کیفر و مجازات بدل گردد. نتایج به دست آمده از پژوهش بیانگر این مطلب است که، مهم ترین ضررهای فردی، اجتماعی و قضایی جرم انگاری در نظام کیفری ایران شامل مواردی نظیر بی کیفری مجرمان، نهادینه شدن حس انتقام و خشونت در جامعه، زوال قبح جرم و افزایش عدم امنیت در جامعه، نقض قانون اساسی، نقض کرامت انسانی، جرم زایی نظام کیفری، فراموش شدن نقش نهاد های غیر قضایی، بالاتر رفتن هزینه های دادرسی کیفری و... می گردد. روش تحقیق حاضر از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی می باشد.

واژگان کلیدی: ایران، جرم انگاری، ضررهای فردی، ضررهای اجتماعی، ضررهای قضایی.

Received:2021/04/29 -Review:2021/07/17 -Accepted:2021/07/24

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی می باشد.

نگارندگان از جناب آقای دکتر یاسر شاکری به سبب راهنمایی های موثر، قدردانی می نمایند.

مقدمه

قرن ها است که جامعه در مقابل خطر مجرمین با به کار بردن مجازات از خود دفاع می کند. در عصر حاضر به نام انسانیت و بشردوستی و یا بنا به دلایل علمی و تجربی، مجازات تا حدی تعدیل یافته و از شدت آن کاسته شده است. اما برعکس دامنه تعداد عناوین مجرمانه در اغلب کشورها افزایش یافته است. در حال حاضر در کشور ما تعداد عناوین مجرمانه به قدری گسترش یافته که به جرأت می توان گفت کمتر حقوقدان کیفری می تواند ادعا نماید که حداقل یک بار همه قوانین کیفری را مطالعه نموده و یا با همه عناوین مجرمانه آشنایی دارد. رویکرد ابزارگونه به حقوق کیفری سبب شده که بسیاری از وزارتخانه ها، نهادها، سازمان های اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف برای اطمینان از اجرا و پیشبرد سیاست ها و برنامه های پیشنهادی خود از ساده ترین و در دسترس ترین ابزار یعنی کیفر استفاده کنند. به همین جهت است که در میان بیشتر لوایح پیشنهادی دولت ها، موادی به منظور احصاء جرایم و مجازات ها اختصاص داده شده است؛ به گونه ای که گاهی عناوین مجرمانه ای که در قوانین متفرقه ایجاد می شوند، از عناوین جزایی موجود در قانون جزایی اصلی کشورها بیشتر است؛ در حالی که در بسیاری از موارد امکان طرح ریزی و پیش بینی تدابیر غیر کیفری ممکن است. اما به دلیل ناهماهنگی میان بخش ها، دشوار بودن فرآیند تفکر و تدبیر و هزینه بر بودن آن، ساده ترین راه پیموده می شود. برای نمونه می توان به جرم انگاری انواع آلودگی هوا اشاره نمود؛ در حالی که روش های کنترلی غیر کیفری مانند الزام به استفاده از تجهیزات جدید غیر آلاینده یا اصلاح شیوه تولید و ارائه خدمات، به تجربه مفیدتر بوده است (محمودی جانکی، ۱۳۸۷، ۳۳۰).

جرم انگاری، موضوعی حقیقی در حقوق جزا است که به اعمال، جنبه جزایی می دهد و برای آن ها مجازات معین می کند. عمل محکوم شده عملی است که ممنوع بوده و به عنوان عمل جزایی همراه با مجازات توجیه می شود. در تعریف جرم انگاری می توان گفت، جرم انگاری فرآیندی است که بر اساس آن قانونگذار از طریق تصویب قوانین، اعمالی را به جهت حفظ ارزش های اجتماعی و نظم عمومی و یا جهات دیگر، جرم قلمداد می نماید (معظمی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۷۹). بدین ترتیب، همان گونه که ملاحظه می گردد، یکی از پایه های اساسی تکوین ساختار هر نظام جزایی، تشخیص این امر است که قانون چه اقداماتی را جرم تلقی می کند. اگر کیفیت و چگونگی روند جرم سازی و ایجاد ممنوعیت ها تابع سیاستی معقول و منطقی نباشد، نه تنها ثمره ای برای جامعه به دنبال نخواهد داشت بلکه زیان بار نیز خواهد بود و این قانونگذاران را بر آن می دارد که پیش از جرم انگاری یک رفتار، هزینه های اقدام کیفری را با توجه به منافع آن در نظر گرفته و در صورت مثبت بودن نتیجه، رفتاری را جرم تلقی نموده و گرنه مداخله بیش از آن که

سودمند باشد زیان بار خواهد بود. همچنین لزوم بسترسازی در راستای مهار روند رو به فزونی تعداد عناوین مجرمانه، تبیین کننده ضرورت انجام این پژوهش بوده است؛ چرا که با عنایت به تورم کیفری، افزایش تعداد زندانیان و پیامدهای زیان بار آن، می بایست در بدو امر مبانی نظری کاستن از شمار تابعین ضمانت اجراهای کیفری بررسی گردد. در این نوشتار بخشی از ضررهای جرم انگاری را مورد بررسی قرار خواهیم داد. به طور قطع ضررهای جرم انگاری نسبت به آن چه خواهد آمد، بسیار بیشتر و شدیدتر است؛ با این حال ذکر همین مختصر نیز ذهن را حداقل از توسل به ابزارهای کیفری در وهله نخست منصرف می نماید.

در باب اهمیت شناخت ضررهای جرم انگاری باید خاطر نشان ساخت، این که حقوق کیفری هم اکنون دغدغه هایی چون جرم زدایی، مبارزه با تورم کیفری، جانشین های مجازات و امثال آن دارد، حاصل شناخت همین ضررها است و همین ضررها سبب می گردد که سیاست اجتماعی که به دنبال رفاه اعضای جامعه است، تا حد امکان بر محدود کردن استفاده از نظام کیفری پافشاری ورزد. احصاء این ضررها به جهت ابعاد پیچیده زندگی انسانی و تأثیر عمیق جرم انگاری بر آن حقیقتاً ناممکن است؛ اما برآنیم که به برخی از ضررهای جرم انگاری که مهم تر از سایرین به نظر می رسد، پردازیم. بنابراین در این پژوهش در ابتدا به بررسی ضررهای جرم انگاری برای شخص مجرم و اجتماع مورد پرداخته خواهد شد و در ادامه، ضررهایی که نظام قضائی به جهت جرم انگاری متحمل می گردد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش پژوهش حاضر از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی می باشد.

۱- ضررهای فردی و اجتماعی جرم انگاری

در این نوشتار ابتدا به بررسی مهم ترین ضررهای فردی و اجتماعی ناشی از جرم انگاری پرداخته خواهد شد و در ادامه ضررهای قضائی ناشی از جرم انگاری مورد نقد و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۱- جرم انگاری^۱ و بی کیفری^۲

بایدها و نیابدهایی که توسط قانون مشخص می شوند، دارای ضمانت اجراهای مختلفی هستند که هر یک از آن ها دارای شدت و ضعف متفاوتی می باشند. استفاده پی در پی از شدیدترین ضمانت اجراها (مجازات) همواره این خطر را به دنبال دارد که این شدت عمل در وضع قانون در بسیاری از موارد سبب گردد که هیچ ضمانت اجرایی علیه مرتکب به کار گرفته نشود. قبل از هر چیز باید به خاطر داشت که جرم انگاری یعنی

1- Criminalization

2- Impunity

وضع کیفر برای یک عمل مشخص. اما وضع کیفر همیشه به اعمال کیفر نمی انجامد و دستگاه قضا با وجود محدودیت های خود، نخواهد توانست مرتکب هر عمل مجرمانه ای را به کیفر رساند. فاصله موجود میان ارتکاب جرایم و اعمال مجازات ها نشان دهنده میزان جرایمی است که از آن به عنوان جرایم خاموش و کشف نشده یاد می شود. یکی از دغدغه های نظام کیفری، کاهش میزان جرایم خاموش می باشد؛ چرا که با افزایش میزان جرایم خاموش و افزایش بی کیفری، نظام کیفری از عدالت کیفری فاصله خواهد گرفت. بی ربط نیست اگر بگوئیم: رشد میزان جرایم خاموش، نظام کیفری را به قلاب ماهیگیری شبیه خواهد ساخت که از میان انبوه ماهی ها فقط چند ماهی را شکار خواهد نمود.

معضل بی کیفر ماندن جرایم، علاوه بر ناکارآمدی دستگاه پلیسی و دادستانی در کشف، تعقیب و تحقیق، ریشه در جرم انگاری های غیراصولی و موسع نیز دارد. امروزه تورم قوانین کیفری مشکل بسیاری از کشورهای دنیا از جمله کشور ما است. در اثر تورم قوانین کیفری در کشور خودمان، تعداد زندانیان از حد معمول بالاتر رفته، به گونه ای که به طور مثال رئیس سازمان زندان ها چندی پیش اعلام داشت که برای جمعیت کنونی زندانیان، فضایی حدوداً دو برابر زندان های کنونی لازم است. در اثر این افزایش جمعیت زندانیان، رویکرد سران قوه قضاییه طی بخشنامه ها و سخنرانی های داخلی و به تبع آن رویه قضات به سمتی رفته که بار اول ارتکاب جرم، همواره با تخفیف مجازات، تبدیل یا تعلیق مواجه گردیده، به طوری که در صورت امکان مرتکب جرم به زندان نرود. این بی کیفری، خود مشوق ارتکاب جرم است. این در حالی است که اگر جرم انگاری به صورت حداقلی و با رعایت اصول صورت گرفته باشد، دیگر بستری برای پر شدن زندان ها و فرآیند بی کیفری به وجود نخواهد آمد و به قطعیت در اعمال مجازات که بسیاری از حقوقدانان بدان داشته اند، خواهیم رسید. همچنین باید به خاطر داشت که بی کیفری یعنی معاف بودن یک مرتکب از آثار ارتکاب جرم؛ لذا بی کیفری فقط این نیست که مجازات اعمال نشود، بلکه عدم تعقیب، عدم محاکمه و عدم اعمال مجازاتی که در حکم تعیین شده، همگی از اقسام بی کیفری محسوب می شوند. بدیهی است جرم انگاری های زیاد، بر کشف جرم در جامعه و تعقیب آن نیز اثرگذار خواهد بود. دستگاه پلیسی و دادستانی با همه محدودیت های خود قطعاً اگر تمرکز خود را بر کشف، تعقیب و تحقیق در خصوص چند عنوان مجرمانه محدود بگذارد، موفقیت های بیشتری کسب خواهد نمود. چرا که افزایش عناوین مجرمانه به پخش تمرکز دستگاه پلیسی و دادستانی و در نتیجه عدم کشف بسیاری از جرایم و به اصطلاح خاموش ماندن جرایم منجر می گردد که این افزایش جرایم خاموش، نوعی بی کیفری حاصل از جرم انگاری موسع است (مهدیون، ۱۳۸۸، ۳۸).

۱-۲- جرم انگاری و نهادینه شدن حس انتقام و خشونت در جامعه

اساساً وضع کیفر برای جلوگیری از انتقام گیری های شخصی و اعمال خشونت از طرف افراد جامعه است؛ چرا که در غیر این صورت جامعه به سمت آناارشی پیش خواهد رفت. اما افزایش جرم انگاری و وضع کیفر در موارد غیر ضروری، خود، جامعه را به سمت خشونت سوق خواهد داد. به روشنی می توان گفت که ظرفیت پذیرش قواعد اخلاقی توسط جامعه با وضع قوانین کیفری و اجرای ضمانت اجراهای سنگین بالاتر نخواهد رفت (صادقی، ۱۳۷۸، ۱۶۷) و برای مبارزه با ناهنجاری های شدید اجتماعی، تجویز جرم انگاری در بسیاری از موارد موفقیت آمیز نبوده و برعکس به نهادینه شدن حس انتقام و خشونت در جامعه خواهد انجامید.

همان طور که پیشتر نیز اشاره شد، جرم انگاری حداکثری، کشف و تعقیب حداقلی را به دنبال خواهد داشت. در این صورت هنگامی که از میان عده کثیری از مجرمین، عده قلیلی را بتوان دچار رفتار مجازات نمود، سؤال اساسی مجرمین گرفتار شده این است که اگر مجازات سزای مجرم است، چرا سزای دیگر مجرمان داده نمی شود؟ در چنین فضایی مجازات شوندگان، تحمیل مجازات بر خود را ناروا تلقی و خود را مستحق مجازات نمی دانند. بدیهی است که اعمال مجازات بر صاحب چنین تفکری نه تنها اهداف مجازات را برآورده نخواهد ساخت، بلکه حس انتقام را در وی برخواهد انگیخت. اعمال مجازات به خودی خود از آن جا که ناقض حرمت انسانی است، حس انتقام را در برخی از مجرمین برخواهد انگیخت و این امر گریزناپذیر است، لکن جرم انگاری های موسع با ایجاد چنین شرایطی سبب ایجاد حس نابرابری در مجازات شوندگان می گردد؛ که در نتیجه افزایش انتقام جویی و اقدام علیه جامعه را در میان مجازات شوندگان در پی خواهد داشت (شجاعی نصرآبادی، ۱۳۸۹، ۹۰). از طرفی، وضع نامحدود قوانین کیفری و برخورد خشن حکومت در مواردی که شدت عمل لازم نیست، به حکم این قاعده که: «خشونت، خشونت را در پی دارد»، جامعه را به سمتی سوق می دهد که خشونت در آن نهادینه خواهد شد. در بستر جامعه ای که حکومت در آن به آسانی از خود شدت عمل نشان داده و به کیفر متوسل می شود، مردمی پرورش می یابند که به آسانی شدت عمل و خشونت را می پذیرند و به آسانی نیز از خود شدت عمل و خشونت نشان می دهند؛ لذا نفس جرم انگاری و به ویژه جرم انگاری حداکثری به تقویت حس انتقام و خشونت در جامعه خواهد انجامید و از این حیث جامعه را دچار خطر خواهد نمود.

۱-۳- جرم انگاری، زوال قبح جرم و افزایش حس عدم امنیت

اساساً استفاده محدود از ضمانت اجراهای کیفری سبب حفظ جایگاه خاص این نوع از ضمانت اجراها می گردد. توسل به ضمانت اجراهای کیفری چنان که بیان شد، می بایست به عنوان آخرین راهکار مورد استفاده

قرار گیرد و تنها در این صورت است که جرم انگاری حداقلی خواهیم داشت. واضح است که جرم انگاری حداکثری موجب زوال قبح جرم در جامعه می گردد. اگر یکی از اهداف مجازات ها، تربیت و اصلاح مرتکب است در این صورت برای جرم انگاری یک فعل یا ترک فعل، مقنن می بایست این موضوع تربیتی را مدنظر قرار دهد که برای اصلاح و تربیت که از اهداف نظام کیفری است، استفاده بیش از حد از تنبیه، کاهش قبح تنبیه را به همراه داشته و در نتیجه از توان تأدیبی تنبیه خواهد کاست. استفاده از حقوق کیفری برای رفع ناکارآمدی های حکومتی هرچند با اصل قانونی بودن جرایم مطابقت دارد، لکن در چنین صورتی مفهوم مجازات از بار حقوقی خالی گشته و بار حکومتی کسب می نماید.

در همه جوامع، مجازات به جهت خصوصیات ویژه اش قبیح بوده و نگاه به مجرم متمایز از نگاه به محکوم علیه دعاوی حقوقی است. گسترش حقوق کیفری با جرم انگاری های حداکثری سبب زوال این طرز تلقی گردیده و حقوق کیفری با کارکردهای ویژه اش را به یکی از زیرشاخه های حقوق عمومی به معنای خاص آن، بدل می سازد. همچنین بازتاب اعمالی که انگ مجرمانه می پذیرند نوعی حس عدم امنیت در جامعه را القاء می نماید. عناوین مجرمانه بیشتر، مجرم بیشتری را به جامعه معرفی خواهد کرد و بر این اساس افزایش آمار جرم و مجرمین سبب ایجاد رعب و وحشت از بزه دیدگی و افزایش حس ناامنی در میان افراد جامعه خواهد شد.

۱-۴- جرم انگاری و نقض قانون اساسی

یکی از اساسی ترین وظایف و مسئولیت های حکومت ها به طور کلی ایجاد و برقراری نظم، آرامش و صیانت از حقوق شهروندان است و تجاوز به آن ها حتی به عنوان کیفر در نگاه نخست ممنوع و خلاف تعهد دولت است، مگر این که برای آن توجیه و مبنای قوی وجود داشته باشد. از این رو دخالت حکومت آن هم با توسل به ضمانت اجرای جزایی باید محدود به مواردی شود که دفع آن ناهنجاری با توسل به راه های مسالمت آمیز و یا اقدامات اداری و انتظامی که جایگزین ضمانت اجرای جزایی هستند، غیرممکن باشد. این یعنی «تئوری اکتفا به حداقل»^۳ که عبارت است از این که حکومت در جرم شناختن فعل یا ترک فعل باید به حداقل موارد اکتفا نماید؛ البته آن هم در شرایطی که بتواند با دلایل قطعی و یقینی ثابت کند که جز مجازات راهی دیگر برای جلوگیری از این ناهنجاری وجود ندارد (بوشهری، ۱۳۷۹، ۳۲). این امر در قانون اساسی اغلب کشورها از جمله در قانون اساسی کشور ما پذیرفته شده و اصول متعددی آن را مورد تأیید قرار داده است.

در اصل یکصد و بیست و یکم^۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در متن سوگندنامه رئیس جمهوری، «رئیس جمهور در خصوص حمایت از آزادی، حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، سوگند یاد می نماید.» لذا به جرأت می توان گفت که جرم انگاری های حداکثری و توسل بیش از حد به حقوق کیفری، نقض قرض مقنن قانون اساسی است. برای نمونه اصل بیست و چهارم^۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین آزادی مطبوعات می باشد که با اصلاح قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹ و گسترش دامنه جرم انگاری ها در این خصوص، این اصل از اصول قانون اساسی عملاً نقض گردیده است. بر اساس ماده ۶۱۶ این قانون هرگونه تخلف از قانون مطبوعات، جرم انگاری گردیده و حتی اگر مجازات خاصی برای آن پیش بینی نشده باشد، متخلف به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال یا تعطیلی نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد نشریات محکوم خواهد شد. این چنین جرم انگاری های سیاسی در واقع جدی نگرفتن قواعد حاکم بر جرم انگاری بوده و بی جا نیست اگر از قول جناب استاد دکتر سیدعلی آزمایش بگوییم، «جرم انگاری های این چنینی، اساساً بازی کردن با حقوق کیفری است»؛ چرا که جرم انگاری در این قانون به حدی ساده انگاشته شده است که حتی اگر درخواست کننده امتیاز نشریه، یکی از شرایط عمومی را نداشته باشد، ولی موفق به اخذ امتیاز نشریه شود و بر اساس مجوز قانونی مبادرت به انتشار نشریه نماید، مجرم شناخته خواهد شد. به علاوه استفاده از قوانینی چون قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ در خصوص مطبوعات که اساساً شأن وضع آن ها ربطی به مسائل مطبوعاتی ندارد، همگی به نقض حق داشتن مطبوعات آزاد که از حقوق مصرح در قانون اساسی

۴- اصل یکصد و بیست و یکم: رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود به ترتیب زیر سوگند یاد می کند و سوگندنامه را امضاء می نماید.

۵- اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.

۶- ماده ۱۶- ماده ۳۵ و تبصره آن به شرح زیر به قانون الحاق می گردد: ماده ۳۵- تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازات های ذیل محکوم می شود: الف- جزای نقدی از یک میلیون تا بیست میلیون ریال. ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات. تبصره- دادگاه می تواند در جرائم مطبوعاتی مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازات های ذیل تبدیل نماید: الف- جزای نقدی از دو میلیون تا پنجاه میلیون ریال. ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات. ج- محرومیت از مسئولیت های مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال.

است، می انجامد. مثال جرم انگاری مسائل مطبوعاتی تنها ذکر غالب از جرم انگاری هائی است که نقض آزادی های مقرر در قانون اساسی را در پی دارد.

قانونگذار جزائی ما در متون کیفری با جرم انگاری های گسترده، در بسیاری از موارد از اصول قانون اساسی پاسداری نکرده و شورای نگهبان نیز در حد لازم به تطبیق اصول با قوانین جزایی اهتمام نورزیده است. به طوری که قانون عادی توانسته است به آرامی و در یک جدال پنهان، قانون اساسی را به بندگی خود بکشاند. نمونه ای دیگر، اصل ۳۳ قانون اساسی است که اقامتگاه افراد را محترم شمرده و مقرر داشته است: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.» از طرفی ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با این شرط که جرم عمدی (حدی یا مستوجب قصاص) و تعزیری (درجه یک تا شش) باشد، اختیار اعمال این گونه مجازات های تکمیلی را به دست دادگاه سپرده است. در واقع قانون اساسی این حق را به قانون عادی سپرده و قانون عادی نیز این حق را به سادگی به دادگاه ها واگذار نموده است. روشن است که به هیچ وجه نظر نویسندگان قانون اساسی این نبوده که تبعید یا اقامت اجباری در محل معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین در اختیار دادگاه باشد (نوربها، ۱۳۷۷، ۱۶)؛ آن هم در قالب یک مجازات تنمیمی قابل اعمال بر هر جرم عمدی تعزیری. با این بیان، همان طور که پیش تر اشاره شد، استفاده ناصحیح از ابزار کیفری به نقض نرم اصول قانون اساسی منجر خواهد شد.

۱-۵- جرم انگاری و نقض کرامت ذاتی انسانی

با توجه به آموزه های دینی و عقلی، انسان از کرامت ذاتی برخوردار است. احترام به انسان و حفظ کرامت ذاتی وی در قلمرو حقوق کیفری دارای آثار و نتایج متعددی از جمله ممنوعیت استفاده از مجازات های ظالمانه، غیرانسانی، تحقیرکننده و نامتناسب است. اما کرامت ذاتی انسان مستلزم تحدید دامنه مداخله حقوق کیفری در «فضای آزاد فردی»^۷ و ممنوعیت جرم انگاری های غیرضروری و لزوم جرم زدایی از برخی رفتارهای مجرمانه غیراصولی نیز می گردد.

بدون تردید یکی از رسالت های مهم حکومت ها در هر جامعه ای تعیین و تشخیص رفتارهای مجرمانه است. اما حکومت در انجام این رسالت مهم تابع یک سری معیارها و محدودیت ها است که از مهم ترین آن ها احترام به کرامت ذاتی انسان است. هر جامعه ای که برای آزادی و حیثیت انسان، به عنوان یک اصل، اهمیت و ارزش قائل است از حقوق کیفری به عنوان آخرین راه حل و در موارد کاملاً ضروری برای کنترل

اجتماعی استفاده می‌کند. چرا که احترام به کرامت ذاتی انسان مستلزم احترام به استقلال و آزادی اراده، عقیده، بیان، قدرت انتخاب و حق تعیین سرنوشت اوست. رعایت این کرامت اقتضاء می‌کند تا انسان به عنوان موجودی که به قولی جانشین خداوند بر روی زمین است و وجود او در حقیقت عالی‌ترین صورت برای هویت حق است، نگریسته شود. بنابراین محدود کردن استقلال و آزادی انسان از طریق توسعه دامنه مداخله حقوق جزا و جرم‌انگاری‌های غیرضروری در واقع تعرض به کرامت ذاتی انسان است.

احترام به حق کرامت ذاتی انسان‌ها مستلزم آن است که در تعیین نوع و میزان مجازات، معیار «ضرورت مجازات» نیز مورد توجه قرار گیرد. کیفری که از مرز ضرورت حفظ سعادت عمومی بیرون رود، ستمگرانه است و هرچه قدر امنیت مردم مقدس‌تر و از تعرض مصون‌تر باشد و هیأت حاکمه آزادی بیشتری به افراد عطاء کند، کیفرها عادلانه‌تر خواهند بود (بکاریا، ۱۳۸۰، ۴۱). سوءاستفاده از ضمانت اجرای کیفری خود به منزله دعوت به سرپیچی و نافرمانی از حقوق جزا است و همانند استفاده بی‌رویه از آنتی‌بیوتیک‌ها این خطر را ایجاد می‌کند که جرایم شدید در حد بیشتری نسبت به تهدید ضمانت اجرای کیفری غیرقابل نفوذ باشد (لاورنس، ۱۳۷۹، ۶۳). استفاده از مجازات زمانی ضرورت پیدا می‌کند که برای دفاع از آزادی و حیثیت دیگران، حفظ نظم عمومی و پیشگیری از بزهکاری و اصلاح بزهکار مفید و مؤثر باشد و از طرف دیگر هیچ راه چاره‌ای جز توسل به ضمانت اجرای کیفری جهت پاسداری از این ارزش‌ها وجود نداشته باشد. بر این اساس حفظ کرامت ذاتی بشر، مانع استفاده از حقوق کیفری در موارد غیرضروری می‌باشد. برای حفظ همین کرامت ذاتی است که در ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۱۷۸۹ آمده است: «قانون جزا کیفرهایی را که مسلماً و بی‌کم و کاست ضروری نیست، مقرر نخواهد کرد.»

۱-۶- جرم‌انگاری و جرم‌زایی

اثر جرم‌زایی حقوق جزا بدین معنی که «جرم، تولید جرم می‌کند» یکی دیگر از ضررهای جرم‌انگاری است. این امر می‌تواند به دو شکل رخ دهد که در ذیل به آن خواهیم پرداخت.

۱-۱-۶- نظریه برچسب زنی

نخست این که به موجب «نظریه برچسب زنی»، به محض این که به شخصی برچسب مجرم می‌خورد، وی سعی در انطباق و هماهنگ کردن اعمال خود با آن برچسب نموده و با سهولت بیشتری برای ارتکاب جرایم بیشتر وسوسه می‌شود. این «هزینه» بالقوه را باید قبل از جرم‌شناختن هر عملی، مخصوصاً در مورد جرایم کوچک، به وضوح در نظر داشت. به محض این که به شخصی برچسب «مجرم» زده شود، از ارتکاب جرم کوچک تا جرم بزرگ گام کوتاهی خواهد بود (کلارکسون، ۱۳۷۴، ۲۳۵). به عبارت دیگر

وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف می شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد. این عقیده نخستین بار در سال ۱۹۶۲ توسط اریکسون، جرم شناس آمریکایی مطرح شد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷، ۲۰۴). خطر برچسب مجرمانه زدن به برخی از رفتارها و برچسب مجرم زدن به برخی اشخاص به گونه ای است که این گونه برچسب زنی، تصور شخص را از خود به منزله فردی کاملاً کج رو تثبیت می کند (گروهی از نویسندگان شورای اروپا، ۱۳۸۴، ۲۱).

در واقع یکی از ضررهای جرم انگاری این است که جرم انگاری یعنی آنگ زنی؛ فلذا هرچه جرم انگاری بیشتر باشد، فرآیند آنگ زنی بیشتر شده و انطباق اشخاص با آنگ مجرمانه سبب ارتکاب روزافزون جرایم می گردد. «بکر» در این زمینه می گوید: فردی که به عملش برچسب مجرمانه زده اند به یک فرد از گروه بیرون رانده شده شبیه است که به او لکه ننگ زده اند. در آن وقت است که فرد، محکوم به اجرای نقشی است که با این هویت منطبق باشد و بدین ترتیب محکوم به زندگی در محیطی می گردد که محیای بزهکاری است و این خود آغازگر یک دوره فساد برای او می باشد. به قول لمرت، این انحراف نیست که فرد را به کنترل اجتماعی یعنی پلیس، دادگستری و زندان هدایت می کند بلکه این کنترل اجتماعی است که فرد را به سوی انحراف سوق می دهد (پیکا، ۱۳۹۵، ۲۳).

طرفداران نظریه برچسب زنی با طرح این نظریه به عنوان الگوی پایدارکننده هویت کج رفتاری حرفه ای یا زنجیره ای، مراحل ذیل را نتیجه جرم انگاری و تولید آنگ مجرمانه می دانند: کج رفتاری ابتدایی؛ مجازات اجتماعی؛ کج رفتاری بیشتر؛ مجازات قوی تر؛ کج رفتاری بیشتر و ابراز خصومت نسبت به مجازات کنندگان؛ رسیدن بحران به آستانه تحمل و واکنش رسمی و بدنام سازی؛ پذیرش نهایی جایگاه اجتماعی کج رفتار و تلاش برای سازگار کردن خود با اوضاع جدید (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، ۵۸). این گونه است که برچسب و آنگ مجرمانه، جایگاه اجتماعی مرتکب را تغییر داده و مجرم شناختن وی سبب می گردد که شخص مرتکب نیز این عنوان و هویت جدید را پذیرفته و با مجرمانه تلقی کردن یک ناهنجاری، از عمل مجرمانه به شخصیت مجرمانه برسیم.

نظریه برچسب زنی، بسیار به احادیث نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نزدیک است. برای نمونه در سنن بیهقی به نقل از جمعی از صحابه پیامبر (ص) آمده است که آن حضرت فرمود: «اگر تو در پی عیب و ایراد یا لغزش های مردم باشی، آنان را فاسد کرده ای یا به فساد نزدیک ساخته ای» (منتظری، ۱۳۷۰، ۵۷۶).

۲-۱-۶- ایجاد شرایط برای ارتکاب جرایم دیگر

جرم می تواند از این نظر که محیط یا شرایطی را ایجاد می کند که در آن ها ارتکاب جرایم دیگر بسیار محتمل می شود، تولید جرم نماید. برای مثال وجود جرایم راجع به مواد مخدر هزینه تهیه این مواد را برای مصرف کنندگان به میزان زیادی افزایش می دهد، بنابراین یک فرد که به مواد مخدر اعتیاد دارد غالباً باید مرتکب جرایم دیگری، مثل سرقت شود، تا بتواند وابستگی خود را به این مواد پاسخگو باشد. این امر می تواند به ارتباط با سایر متهمان منجر شده و باز احتمال ارتکاب جرایم بیشتر را افزایش دهد. غیرقانونی شناختن برخی از اعمال از قبیل قاچاق مواد مخدر و فروش فیلم های مستهجن، موجب ایجاد بازارهای سیاه مخفی می شود که تولیدات آن ها غیرقابل کنترل بوده و مشمول مالیات نمی گردند و شرایط اقتصادی مطلوبی را برای ارتکاب جرایم سازمان یافته به وجود می آورند. سلب و صسف مجرمانه از چنین اعمالی موجب می شود که آن ها با سهولت بیشتری تحت نظم و قاعده درآیند. از زمان وضع قانون سقط جنین مصوب سال ۱۹۶۷ در انگلستان سقط جنین در موارد نسبتاً گسترده ای، قانونی شناخته شده است. این امر منجر به «بیرون رانده شدن» سقط جنین کنندگان غیرمجاز و در نتیجه رعایت استانداردهای بالاتری از نظر مقررات و ایمنی شده است، چرا که سقط جنین ها به طور رو به گسترشی به و سیله اشخاص صلاحیتدار در بیمارستان های مجهز انجام می شوند (کلارکسون، ۱۳۷۴، ۲۳۶). همچنین قانونی شدن سقط جنین و ایجاد مراکزی در این خصوص، از وقوع جرایم دیگری از قبیل قتل غیرعمد مادر و یا تجاوز به عنف جلوگیری می نماید.

۲- ضررهای قضائی جرم انگاری

پیش از شروع مطالب این قسمت ذکر این نکته ضروری است که ارتباط دستگاه قضائی با مردم و این که این ارگان اصطلاحاً با ارباب رجوع سروکار دارد، سبب شده است که نقایص و کاستی های آن برای عموم جامعه روشن باشد و به همین جهت نوک پیکان انتقادات و اتهامات به سمت دستگاه قضائی نشانه رود. با تأیید همه انتقادات، از ضعف مدیریتی، تا ناکارآمدی سیستم و امثال آن که به حق بر دستگاه قضا وارد است، می خواهیم این نکته را مختصراً یادآور شویم که ریشه غالب مشکلات دستگاه قضا را می توان در قوانین غیراصولی دستگاه تقنینی جست؛ به طوری که بیره نیست اگر بگوییم اشتباهات کوچک دستگاه تقنینی در بالادست، بهمنی از مشکلات را در پایین دست بر سر دستگاه قضائی آوار می نماید. موارد ذیل بخشی از ضررهائی است که دستگاه قضائی به جهت جرم انگاری های غیراصولی متحمل می شود.

۲-۱- جرم انگاری و فراموش شدن نقش نهادهای غیرقضائی

اساساً در بسیاری از موارد شاهد هستیم که با جرم انگاری یک ناهنجاری و به عبارتی کیفری شدن یک ناهنجاری، نقش نهادهای مسئول در پیشگیری یا مبارزه با ارتکاب آن ناهنجاری فراموش شده و افکار عمومی صرفاً اقدام نهادهای انتظامی و قضائی را طلب می نمایند. شاید این اتفاق به جهت ویژگی های ذاتی حقوق کیفری باشد؛ چرا که تلقی عمومی چنین است که شخص مرتکب جرم، خط قرمزها را نقض نموده، فلذا حقوق کیفری با اعمال مجازات بهترین پاسخ به عمل مرتکب را خواهد داشت. همچنین در مباحث پیشگیری از آن ناهنجاری نیز، کیفری شدن ناهنجاری، موضوع را جزء مباحث پیشگیری از جرم قرار می دهد. تبادر این مفاهیم در اذهان عمومی، فشار را از دوش نهادهای مسئول غیرانتظامی و یا غیرقضائی برداشته و همه مسئولیت

ها را متوجه نهادهای انتظامی و قضائی می گرداند. در این میان، نهادهائی که در فرض عدم جرم انگاری آن ناهنجاری، مسئول پیشگیری و مبارزه با آن ناهنجاری می بودند از کیفری شدن ناهنجاری بهره جسته و نقش خود را در مبارزه با ناهنجاری جرم انگاری شده، به صورت کلی یا جزئی کنار می گذارند. جرم انگاری استعمال مواد مخدر بهترین شاهد مثال در نظام قضائی ما است. پس از جرم انگاری استعمال مواد مخدر، مدت ها گذشت تا این مطلب به اذهان عمومی تفهیم شود که مبارزه با استعمال مواد مخدر امری صرفاً انتظامی و قضائی نبوده و مسئولیت نهادهائی نظیر ارکان فرهنگی شهرداری ها، در فرهنگ سازی در این خصوص، اگر نگوئیم بیشتر، کمتر از مسئولیت نهادهای انتظامی و قضائی نیست. بر این اساس روشن است که مسئولیت دستگاه قضا در مبارزه کیفری با یک ناهنجاری، به صورت ناخودآگاه سلب مسئولیت سایر نهادها را در پی خواهد داشت؛ امر نانوشته ای و ناخواسته ای که واقع شدن آن به جهت خصوصیات تهاجمی حقوق کیفری بسیار شایع است.

۲-۲- جرم انگاری و تحمیل هزینه های پیشگیری بر دوش نظام قضائی

جرم انگاری حداکثری ناهنجاری ها و خلق جرایم جدید، هزینه های پیشگیری از آن ناهنجاری ها را به لحاظ این که وصف مجرمانه یافته اند، متوجه نظام قضایی می نماید. در واقع با یادآوری آن چه در مطالب فوق بدان اشاره شد، در خصوص پیشگیری از هر ناهنجاری اجتماعی، حسب مورد یکی از نهادهای دولتی مسئول می باشد که به محض جرم انگاری آن ناهنجاری، تمام یا حداقل بخشی از این مسئولیت بر عهده نظام قضایی گذاشته می شود. هرچه تعداد بیشتری از ناهنجاری ها جرم انگاری گردد، سهم نظام قضایی در پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی بیشتر می شود. جرم انگاری بی مورد یک ناهنجاری در واقع تحمیل ناروای هزینه های پیشگیری بر دوش نظام قضایی است. در این نوشتار نمی خواهیم بگوئیم که نیازی به

صرف این هزینه‌ها وجود ندارد؛ چرا که بالاخره صرف هزینه برای پیشگیری از هر ناهنجاری اجتماعی لازم بوده و حکومت می‌بایست این هزینه‌ها را صرف نماید، چه آن ناهنجاری جرم‌انگاری بشود و چه نشود. اما آن چه محل ایراد است، مسئولیت نظام قضایی برای صرف هزینه‌های پیشگیری از این ناهنجاری‌های جرم‌انگاری شده است. در بسیاری از کشورها، کمیسیون یا کمیته یا شورای خاصی به عنوان متولی و مسئول پیشگیری از بزهکاری ایجاد گردیده و مدیریت و هزینه‌های آن بر عهده وزارتخانه‌ای خاص قرار گرفته است. برای نمونه وزارت کشور در انگلستان، وزارت دادگستری، در نروژ و دانمارک، وزارت کشور و وزارت دادگستری، در هلند مسئول تشکیل این کمیسیون می‌باشند و در برخی کشورها نظیر فرانسه نیز کمیسیون پیشگیری از بزهکاری به صورت مدیریت مشترک نمایندگان برخی از وزارتخانه‌ها تشکیل می‌گردد.

در برخی دیگر از کشورها مثل سوئد نیز نهاد مستقلی برای پیشگیری از جرم ایجاد گردیده است. تبعاً در چنین شرایطی بار اقتصادی پیشگیری از جرم متوجه نظام قضایی نبوده و جرم‌انگاری حداکثری با همه ضررهای آن، حداقل بار اقتصادی پیشگیری از وقوع جرم را متوجه نظام قضایی نمی‌کند. اما در کشور ما طبق صدر بند پنجم از اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم جزء وظایف قوه قضاییه به شمار می‌رود. همچنین قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ (در فصل یازدهم، توسعه امور قضایی) در ماده ۱۳۰ بند «ز۴» بر وظیفه قوه قضاییه در زمینه پیشگیری از وقوع جرم تأکید نموده است. به علاوه، ماده ۳۳۹ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، شناخت روش‌های پیشگیری از وقوع جرایم را از وظایف سازمان زندان‌ها دانسته است.

با این ترتیب نظر به این که در قوانین جاری کشور ما، پیشگیری از وقوع جرم بر عهده نظام قضایی و زیرمجموعه‌های آن نهاد شده است، طبیعی است که بار اقتصادی پیشگیری از وقوع جرایم به دوش نظام قضایی بوده و جرم‌انگاری بیشتر بر سنگینی این بار می‌افزاید. البته بعضاً قوانین خاصی وضع گردیده که پیشگیری از جرم خاصی را بر عهده نهادی غیر از نهاد‌های وابسته به نظام قضایی نهاد است؛ که برای نمونه، قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ از جمله این قوانین است. ماده ۳۳ این قانون،

۸- ماده ۳۳۹. در راستای رسالت ملی پیشگیری از وقوع جرم، سازمان حداقل به طور سالانه، اطلاعات و آمارهای توصیفی و تحلیلی متناسب را تهیه و در اختیار حوزه ریاست قوه قضائیه، دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، وزارت دادگستری و کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی قرار می‌دهد.

وظیفه پیشگیری از جرایم مواد مخدر را بر عهده ستاد مبارزه با مواد مخدر وابسته به نهاد ریاست جمهوری نهاده شده است که این امر، مسئولیت و بار مالی پیشگیری از وقوع این نوع جرایم را متوجه این ستاد می نماید و از مشکلات اقتصادی نظام قضایی حداقل در این زمینه می کاهد. علاوه بر این نمونه، شورای عالی مبارزه با پولشویی که به موجب ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی تشکیل شده است، نیز از مصادیق نهادهایی است که نقش مؤثری را به منظور مقابله با جرم پولشویی بر عهده داشته و بدین طریق از بار هزینه های نظام قضایی در خصوص این جرم کاسته شده است. نکته قابل ذکر دیگر آن که قانونگذار از یک سو همان طور که گفته شد، طبق صدر بند پنجم از اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه را مسئول اقدام در جهت پیشگیری از جرم دانسته است و از سوی دیگر در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳، «سیاست پیشگیری از ظهور یا گسترش انحرافات و مشکلات اجتماعی» (ماده ۹) را از طریق فراهم کردن زمینه استقرار رفاه عمومی و ارتقاء انواع حمایت های اقتصادی، اجتماعی، مدنی و... (مواد ۱، ۳، و ۴) در سطح جامعه

مورد توجه قرار داده است و به منظور اجرای سیاست پیشگیری و تحقق این حمایت ها که بستر رفاه عمومی را آماده می کند، تشکیل نهاد مستقلی با عنوان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را در ماده ۱۱ پیش بینی نموده است. به عبارت دیگر قانونگذار با ایجاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی به نوعی وظیفه پیشگیری اجتماعی از انحرافات و بزهکاری را از وظایف این وزارت قلمداد نموده است. بدین سان به نظر می رسد که قانونگذار هنوز در باب پیشگیری از بزهکاری به جمع بندی مشخصی از حیث مدیریت و سیاست گذاری کلان نرسیده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۵۶۵). اما به هر حال، همین که مسئولیت پیشگیری از جرایم بر عهده وزارت رفاه نیز نهاده شده و این وزارتخانه حداقل در خصوص پیشگیری از برخی جرایم در کنار دستگاه قضا قرار گرفته است، خود سبب کاهش فشار مالی از بابت هزینه های مربوط به پیشگیری از جرایم می گردد. در نهایت همچنان باید به خاطر داشت که جرم انگاری بیشتر، حداقل در نظام قضایی کشور ما، هزینه های مربوط به پیشگیری را متوجه نظام قضایی می نماید و بر بار مشکلات آن می افزاید.

۲-۳- جرم انگاری و بالاتر رفتن هزینه های دادرسی کیفری برای نظام قضایی

با قدری تسامح می توان گفت، آیین دادرسی کیفری حلقه وصل جرم و مجرم با حکومت و نظام قضایی است. همان طور که از ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیداست، آیین دادرسی کیفری متشکل از پنج مرحله می باشد که کشف جرم، تعقیب جرم، انجام تحقیقات مقدماتی، دادرسی یا رسیدگی به جرم و اجرای حکم از مراحل پنج گانه آیین دادرسی کیفری هستند. وظیفه کشف جرم بر عهده ضابطین قضایی بوده و تعقیب، تحقیق و اجرای حکم وظیفه دادرها است. مرحله دادرسی یا رسیدگی به جرم نیز بر

عهده دادگاه ها می باشد. تشکیل این پنج مرحله و ایجاد دو نهاد ضابطین و دادسراها در کنار و در کمک به دادگاه ها به جهت اهمیت مسائلی است که در دادرسی کیفری مطرح می گردد و وجه تمایز بارز دادرسی کیفری و دادرسی مدنی از یکدیگر است. اما این پیچیدگی دادرسی و ایجاد نهادهای کمکی، بدون هزینه نبوده و هزینه سنگینی را دربردارد. هرچه مقنن جرایم بیشتر را به رسمیت بشناسد و جرم انگاری بیشتری صورت گیرد، نه تنها دادگاه های می بایست به لحاظ کمی و کیفی بهبود یابند، بلکه دادسراها، نهادهای پلیسی و نهادهای اجراکننده حکم از قبیل زندان ها نیز به صورت موازی نیاز به تقویت خواهند داشت. ساختمان های بیشتر، نیروی انسانی بیشتر و هزینه های بیشتر جهت سازماندهی این تشکیلات عریض و طویل، همگی بخشی از تبعات جرم انگاری وسیع است. به طور مثال هزینه نگهداری ۱/۷ میلیون نفر زندانی در ایالات متحده آمریکا چهل میلیارد دلار در سال است و یا هزینه سالانه زندان در انگلستان بیش از دو میلیارد پوند است (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ۳۲).

این فقط آمار هزینه های اجرای احکام حبس است و باید هزینه های مربوط به اجرای سایر احکام جزایی به علاوه هزینه های مربوط به چهار مرحله دیگر دادرسی کیفری یعنی کشف، تعقیب، تحقیق و دادرسی افزوده شود تا کل هزینه های مربوط به دادرسی کیفری برآورد گردیده تا مشخص شود که جرم انگاری یک عنوان مجرمانه جدید چه تبعات مالی برای نظام قضایی دارد. وفق آمار منتشره شده توسط قوه قضائیه کشور ما در سال ۱۳۷۷ هزینه سرانه هر پرونده مختومه سیزده هزار ریال برآورد گردیده است که با توجه به تعداد ۲،۳۴۷،۹۳۵ پرونده مختومه کیفری در آن سال، مبلغ ۳۰،۵۲۳،۱۵۵،۰۰۰ ریال هزینه سرانه مربوط به مراحل پنج گانه دادرسی کیفری می باشد (از زبان آمار، ۱۳۷۸، ۱۶۳). با عنایت به این که این آمار مربوط به دو دهه پیش می باشد، به روشنی می توان دریافت که هم اکنون این رقم بسیار بالاتر از گذشته بوده و اضافه شدن حتی یک جرم جدید به لیست عناوین مجرمانه، هزینه های مربوط به این قسمت را افزایش خواهد داد. طبق آمار منتشره توسط سازمان زندان ها، پیش از انقلاب اسلامی حدود پنج درصد از جمعیت زندانیان مربوط به جرایم مواد مخدر بودند که این رقم در حال حاضر به بیش از پنجاه درصد رسیده است. اتخاذ سیاست کیفری تقنینی نامناسب و جرم انگاری های غیراصولی، هزینه های مربوط به این زندانیان را بر نظام قضایی تحمیل نموده است. هزینه های هنگفت نظام قضایی جهت انجام امور مربوط به دادرسی کیفری، سبب کاهش منابع مالی برای توسعه امور نظری در مباحث مربوط به عدالت کیفری می گردد. به عبارت دیگر دستگاه قضایی که بیشتر منابع خود را خرج انجام وظایف عملی خود می نماید، هزینه کمتری برای انجام امور پژوهشی و نظری در اختیار خواهد داشت و این یعنی کندی در کارکردهای نظری نظام قضایی.

۲-۴- جرم انگاری و افزایش شمار پرونده های کیفری

جرم انگاری موسع و ایجاد عناوین مجرمانه حداکثری، سبب افزایش شمار پرونده های کیفری می گردد. تعداد پرونده ها و دعاوی در فرآیند دادرسی، عامل و عنصری است که ارتباط مؤثری با دو عنصر دقت و سرعت در دادرسی دارد. کاهش تعداد پرونده های کیفری، بخشی از انرژی درگیر در دستگاه عدالت کیفری را آزاد خواهد نمود که این انرژی می تواند صرف دقت و یا سرعت در دادرسی گردد. اگر انرژی مازاد ناشی از کاهش تعداد پرونده های کیفری، صرف افزایش دقت در دادرسی گردد، به عدالت به معنای دقیق آن نیل خواهیم نمود و اشتباهات قضایی کاهش خواهد یافت و چنانچه صرف افزایش سرعت در دادرسی گردد، در این صورت کاهش اطلاع دادرسی را به همراه خواهد داشت. عکس این قضیه به دست خواهد آمد، اگر تعداد پرونده های کیفری افزایش یابد، طبیعی است که با توجه به ظرفیت محدود و مشخص دادگاه های کیفری، افزایش تعداد پرونده ها، انرژی مضاعفی را از نظام قضایی طلب می کند و کسری انرژی دستگاه عدالت کیفری ناشی از افزایش تعداد پرونده های کیفری را می بایست با کاهش دقت و یا کاهش سرعت در دادرسی جبران نمود. این کسری انرژی چه با کاهش دقت در دادرسی جبران شود و چه با کاهش سرعت در دادرسی، در هر دو صورت تالی فاسدی خواهد داشت که نمی توان به سادگی آن را نادیده انگاشت.

۱-۲-۴- کاهش دقت در دادرسی

افزایش تعداد عناوین مجرمانه و به تبع آن افزایش شمار پرونده های کیفری اگر با ثابت نگه داشتن سرعت دادرسی همراه گردد، یقیناً کاهش دقت در دادرسی را در پی خواهد داشت. اشتباهات قضایی و ناکارآمدی دستگاه عدالت کیفری، به علاوه واگذاری وظایف نهاد قضایی و دادستان به شاکی خصوصی، از تبعات کاهش دقت در دادرسی است. در شرایطی که یکی از شروط ارتقاء سمت قضایی، ارائه آمار بیشتری از پرونده های مختومه بوده و مستدل بودن دادنامه و به نوعی کیفیت حقوقی دادنامه، فدای کمیت عددی دادنامه های الصداری می گردد، اشتباهات عدیده قضایی گریزناپذیر می باشد؛ اشتباهاتی که مردم را از کارآمدی دستگاه عدالت کیفری مأیوس نموده و نظام قضائی را بر آن می دارد برای رفع این اشتباهات، رسیدگی های دومرحله ای را تبدیل به سه مرحله ای نموده و اقسامی از طرق فوق العاده تجدیدنظرخواهی را پیش بینی نماید (ماده ۹۱۸^۹

۹- ماده ۱۸- آراء دادگاه های عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد زیر نقض می شود: قاضی صادرکننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود. قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادرکننده رأی تذکر دهد متنبه گردد. ثابت شود قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته است.

قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی به علاوه آئین نامه های اجرایی آن مثال بارز این امر می باشد). این دور عجیب که شروع آن با جرم انگاری های موسع آغاز می شود، منجر به گسترش دستگاه قضا گردیده و خود بر روند ناکارآمدی ها می افزاید. از طرف دیگر افزایش شمار پرونده های کیفری، نهاد قضایی و دادستان را مجبور می سازد که بخشی از وظایف خود را بر عهده شاکی خصوصی نهد و عملاً تحقیقات مقدماتی با روش تفتیشی به روش ترافیعی تبدیل گشته که دادستان در آن کشف حقیقت نمی نماید؛ بلکه به نوعی دادرسی دادگاه ها بدل شده که به استماع اظهارات طرفین می پردازد. در چنین شرایطی شاکی خود مکلف به تحصیل دلیل بوده و بسیاری از وظایف نهاد قضایی از جمله ابلاغ به متهم، اخذ استعلام ها و وظایفی از این قبیل به شاکی خصوصی محول می شود.

۲-۲-۴- کاهش سرعت در دادرسی

با افزایش شمار پرونده های کیفری به جهت جرم انگاری های حداکثری اگر نظام قضایی بخواهد دقت در دادرسی را حفظ نماید، با کاهش سرعت در روند رسیدگی و اطاله دادرسی مواجه خواهیم بود. جلسات رسیدگی متراکم با فاصله های زمانی بسیار زیاد، شأن و ابهت دعوای کیفری را ساقط نموده و آن را در حد یک دعوای مدنی ساده، خفیف و بی اهمیت می نمایاند. نظام کیفری که اصلاح، بازدارندگی، سزادهی و اهدافی از این قبیل را دنبال می نماید، نمی تواند با اطاله دادرسی به طور کامل در حصول این اهداف موفق باشد؛ چرا که فاصله بین جرم و مجازات هرچه بیشتر باشد نه تنها اصلاح شخصی که چندین سال پیش مرتکب جرمی گشته بی معنا گشته و قدرت بازدارندگی مجازات نیز تضعیف می شود، بلکه این امر توجیه سزادهی مجرمی که سال ها از زمان ارتکاب جرم وی می گذرد را نیز دچار تردید می سازد. اطاله دادرسی در دعوای غیر کیفری به منافع طرفین دعوا لطمه وارد می سازد، ولی در دعوای کیفری، اطاله دادرسی پایه های نظری دعوا را سست نموده و سبب ناموجه جلوه نمودن کیفر می گردد. بر همین اساس هم اکنون در کشور ما هرچند مرور زمان در دعوای حقوقی پذیرفته نمی شود، لکن همچنان مرور زمان در دعوای کیفری به قوت خود باقی است (مواد ۱۰۵ الی ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۳^{۱۰} قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) و این بدان جهت است که فوریت در دادرسی کیفری سبب تحقق اهداف

۱۰- ماده ۱۳- تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی شود، مگر در موارد زیر:

الف- فوت متهم یا محکوم علیه. ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت. پ- شمول عفو. ت- نسخ مجازات قانونی. ث- شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون. ج- توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون. چ- اعتبار امر مختوم.

مقنن در اعمال کیفر می گردد. بر اساس آمار رسمی اعلام شده در سال ۱۳۸۸، بیش از هفت میلیون پرونده در دستگاه قضائی کشورمان در جریان رسیدگی قرار داشت که این رقم از تعداد پرونده های موجود در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله هند با نزدیک به یک میلیارد نفر جمعیت بیشتر بوده است (مهاجری، ۱۳۷۸، ۱۸).

نتیجه و پیشنهاد

مهم ترین پیامدها و ضررهای قضائی جرم انگاری شامل مواردی نظیر: جرم انگاری و فراموش شدن نقش نهادهای غیرقضائی، جرم انگاری و تحمیل هزینه های پیشگیری بر دوش نظام قضائی، جرم انگاری و بالاتر رفتن هزینه های دادرسی کیفری برای نظام قضائی و جرم انگاری و افزایش شمار پرونده های کیفری می گردد. در نهایت بایستی به این موضوع اشاره نمود که، تضییق ضمانت اجراهای کیفری، امری است که بخشی از آن با جرم انگاری حداقلی (مرحله تقنین) صورت می گیرد و بخش دیگر را می بایست در نحوه تفکر جزائی دستگاه قضائی در تعقیب، تحقیق، دادرسی و حتی اجرای حکم جستجو نمود. به دیگر سخن کاهش عناوین مجرمانه تنها مربوط به بحث تقنینی تضییق ضمانت اجراهای کیفری است و نیل به تضییق ضمانت اجراهای کیفری به معنای واقعی آن، امری است که راهکارهای مربوط به آن را، نه فقط در مرحله تقنین باید جست، بلکه در مرحله قضا نیز باید تدابیری اندیشید که به تضییق حداکثری ضمانت اجراهای کیفری بیانجامد.

به طور کلی قواعد حاکم بر محدودیت حقوق و آزادی که تنظیم کننده روابط اشخاص در اجتماع هستند، مجموعه ضوابط حقوقی را شکل می دهند که این قواعد متشکل از احکام و ضمانت اجراها می باشند. از آن جایی که این قواعد تحدید کننده حقوق و آزادی می باشند، لذا صرفاً در حد نیاز زندگی اجتماعی ضرورت وضع پیدا می نمایند و وضع قوانین غیرضروری، تجاوز به حقوق اشخاص است. از طرفی دیگر احکام به تبع اهمیت آن ها با شدت و ضعف ضمانت اجرا حمایت می گردند. اساساً این گفته که برای شکستن یک فندق از پتک استفاده نمی شود، دلالت بر آن دارد که هرگز برای حمایت از احکام کم اهمیت استفاده از ضمانت اجراهای شدید لازم نمی باشد. بر این اساس می توان گفت که اولاً نظام باید و نبایدها و اعمال ضمانت اجراها به طور کلی با محدودیت مواجه بوده و از آن جایی که تحدید کننده حقوق عامه اشخاص است، صرفاً در موارد محدود و استثنایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ثانیاً بخش اعظمی از همین ضمانت اجراها که وضع آن ها صرفاً در موارد ضروری جایز است، ضمانت اجراهای مدنی، اداری، صنفی و به طور کلی غیرکیفری هستند و فقط بخش اندکی از

احکام نیاز به حمایت قوی و ضمانت اجراهای کیفری دارند. در کشور خودمان سالانه شاهد آن هستیم که تعداد زیادی از عناوین مجرمانه از قبیل جرایم رایانه ای، جرایم مربوط به محیط زیست، حتی جرایم مربوط به ذبح شرعی دام و انواع و اقسام جرایم دیگر به لیست عناوین مجرمانه افزوده می گردند، اما از طرف دیگر میزان جرم زدایی نه تنها بیش از جرم انگاری های صورت گرفته نیست، بلکه حتی به نحوی نیست که همین وضعیت فعلی را متوازن نماید. مهم ترین ضررهای فردی، اجتماعی جرم انگاری که در این پژوهش به آن پرداخته شده عبارتند از: جرم انگاری سبب بی کیفری مجرمان می گردد؛ جرم انگاری سبب نهادینه شدن حس انتقام و خشونت در جامعه می گردد؛ جرم انگاری، باعث زوال قبح جرم و افزایش حس عدم امنیت در جامعه می گردد؛ جرم انگاری افراطی موجب نقض قانون اساسی می شود؛ جرم انگاری باعث نقض کرامت ذاتی انسانی می شود؛ در نهایت جرم انگاری سبب جرم زایی نظام عدالت کیفری می گردد. در آخر به نظر می رسد به منظور حرکت بنیادین به سوی جرم انگاری حداقلی باید جرم انگاری و ضمانت اجراهای کیفری نه به عنوان یک داروی ساده، بلکه نوعی جراحی سخت تلقی گردد که می بایست صرفاً به عنوان آخرین راهکار، تجویز گردد؛ به طوری که مقنن همچون پزشکی، به یاد داشته باشد که دست بردن به تیغ و جراحی در موارد غیر ضروری، نه تنها علمی و سودمند نمی باشد، بلکه عوارض سوء بسیاری را به دنبال خواهد داشت. این رویکرد را می توان با ایجاد نهادی در مجلس شورای اسلامی با عنوان مرکز عالی مطالعات جرم انگاری، عملی ساخت که این مرکز به صورت تخصصی وضع یا حذف قوانین کیفری را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد داد.

منابع

فارسی

- از زبان آمار، ۱۳۷۸، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۲۷.
- بکاربا، سزار، ۱۳۸۰، **رساله جرایم و مجازات ها**، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
- بوشهری، جعفر، ۱۳۷۹، **حقوق جزا: اصول و مسائل**، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
- پیکا، ژرژ، ۱۳۹۵، **جرم شناسی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، انتشارات میزان.
- شجاعی نصرآبادی، محمد، ۱۳۸۹، **تحلیل مبانی اصل استثنایی بودن جرم انگاری**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.
- لاورنس، شرمز، ۱۳۷۹، **جرم شناسی و جرم انگاری؛ چالش و علم ضمانت اجرای کیفری**، مترجم روح الدین کرد علیوند، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۳۳.
- صادقی، محمدهادی، ۱۳۷۸، **بزه پوشی**، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۲۸-۲۹.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله، ۱۳۸۷، **آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)**، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

- کلارکسون، کریستوفر، ۱۳۷۴، **تحلیل مبانی حقوق جزا**، ترجمه دکتر حسین میرمحمدصادقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.

- گروهی از نویسندگان شورای اروپا، ۱۳۸۴، **گزارش جرم زدایی اروپا**، مترجمان افشین فیروزمند، علی شایان، حمید بهره‌مند بگ‌نظر، مصطفی جلالی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسیل.

- گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لایلا، ۱۳۸۴، **کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی (تجربه‌ی ایران و دنیای معاصر)**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۸۷، جرم زدایی به منزله یک تغییر، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)**، دوره ۳۸، شماره ۱.

- معظمی، شهلا؛ بطیاری، عاطفه؛ انصاری فر، محمدعلی، ۱۳۹۶، معیارهای جرم انگاری، **فصلنامه قضاوت**، شماره ۸۹.

- مهدیون، سیدابراهیم، ۱۳۸۸، عدم جرم انگاری صحیح موجب بی کیفری می شود، **فصلنامه قضاوت**، شماره ۵۷.

- مهاجری، علی، ۱۳۷۸، **رسیدگی های خارج از نوبت در محاکم عمومی: دعاوی حقوقی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۳۹۷، **دانشنامه جرم شناسی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، **علوم جنایی** (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

- نوربها، رضا، ۱۳۷۷، **جدال دو قانون، مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۱-۲۲.

عربی

- منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۰، **دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه (مبانی فقهی حکومت اسلامی)**

دولت و حکومت، ترجمه محمود صلواتی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر تفکر.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹

- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶

- قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹

- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳

- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

- آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰

- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۱۷۸۹

- قانون سقط جنین انگلستان مصوب ۱۹۶۷

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marziyeh Fathi Bornaaji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh